

## قسم ششم اسم آلت

اسم آلت نام چیزی است که با آن فعلی یا امری انجام گیرد اسم آلت در بعضی زبانها (مانند عربی) بیشتر از فعل گرفته میشود. در فارسی اسم آلت بر سه گونه است. ۱- گرفته شده از اسم ۲- مشتق از صفت ۳- مشتق از فعل، نوع اول گرفته شده از اسم و آن بسیار کم است. از این فقط دو کلمه دیده شد و آن بازبچه و عنبرچه است که با افزودن پسوند (چه) که علامت تصغیر است ساخته شده است. بازبچه چیزی است که اطفال با آن بازی کنند و عنبرچه زینتی است از زر یا گوهر که بشکل جعبه کوچکی باشد و در گردن آویزند و شاید ابتدا در آن عنبر و چیزهای خوشبو قرار میداده اند و این شکل را بجای عنبر دان استعمال کرده اند و این کلمه از ترکیب شده های قرون اخیر است. این چه که در آخر افزوده شده هم دلالت بر اسم آلت دارد و هم دلالت بر کوچکی مدخول.

از گران سنگی کنجور سپهر آمده کوه وز سبکساری بازبچه باد آمده خس  
عالم و طبع و وهم و حس و خیال جمله بازبچه اند و ما اطفال

سنائی

در این مقام مجازی بجز پیاله مگیر در این سراچه بازبچه غیر عشق مبارز

حافظ

نوع دوم اسم آلت ساخته شده است از بعضی صفات مشترک با اسم با اضافه کردن يك هاء ساکن بدل حرکت با آخر آنها مانند گوشواره که از گوشوار آمده و دستواره که از دستوار آمده و چون اینها اسم مرکب هستند ضمن اسمهای مرکب بتفصیل گفته شده است. نوع سوم از اسم آلت که از فعل گرفته شده و آن بردو گونه است.

اول - با افزودن هاء ساکن بدل حرکت با آخر صیغه امر مفرد و حاضر بعضی افعال (یا اصول افعال) مانند استره که بمعنی تیغ دلاکی و از استردن گرفته شده و آویزه که از آویختن گرفته شده همچنین است پیرایه از پیراستن و تابه از تابیدن (تافتن) همچنین است ریزه از ریختن. کلمه ریزه را عوام امروز بمعنی کوچک و کم استعمال میکنند در صورتیکه معنی صحیح و اصلی آن خرده هائست که از چیزی بریزد.

حافظ فرماید :

سپهر بر شده پرویزی است خون افشان

که ریزه اش سر کسرا و تاج پرویز است

دوم ساخته میشود از يك اسم عام و صیغه امر مفرد حاضر يك فعل چون قند شکن . آتش گردان . قلمتراش . جاروب . خطکش و غیره . نظر باینکه این طبقه اسم آلت بسیار زیاد و جزء اسم های مرکب میباشد در قسمت اسم های مرکب شرح مفصلی با توضیحات کافی داده شده است که بعداً خواهد آمد در اینجا برای آنکه اسم آلت ذکر شد بعنوان و از نظر طبقه بندی و تذکر گفته شد .

هفتم - مصدر . مصدر معمولاً در اصطلاح صرف و نحو آن قسمت از افعال است که زمان و شخص در آن دخالت ندارد و سایر قسمت های فعل مانند گذشته و آینده و اسم فاعل و اسم مفعول و غیره از آن ساخته میشود راجع بمصدر و انواع آن در فصل فعل کاملاً شرح داده شده است چون مصدرها مانند اسم استعمال میشوند در اینجا جزء اسم ها آورده شد بنا بر این بذکر چند شاهد اکتفا میشود .

در زبان فارسی مصدر همیشه به دن یا تن تمام میشود چون کاشتن ، افراختن دیدن ، خوردن و فقط کلمات کردن ، چیدن . تن آ بستن ، تهمن مصدر نیستند نخستین چو از بند بکشاد لب بیزدان بستودن هنر داد لب چو بودر جمهر آن سخنها شنید بدانش نگه کردن شاه دید به آموختن چون فروتن شوی سخن های دانندگان بشنوی پیرسید دیگر که در زیستن چه سازی که کمتر بود رنج تن

فردوسی

که بدکاری بود رنجاندن کس بدست آوردنش نبود بدان سان چه بهتر گرسنه را سیر کردن که بر کس نیست از آموختن عار

ناصر خسرو

مرنجان کس نخواهدش عذر از آن پس چو رنجانیدن کس باشد آسان چه بدتر در کرم تاخیر کردن پیاموز آنچه نشناسی تو زینهار